

پرده نقره‌ای

رضا عطاران باز یگر فیلم جدید
کیانوش عیاری شد

آخرین پروژه سینمایی کیانوش عیاری بانام «کر» به زودی وارد مراحل اجرایی خواهد شد. تاکنون حضور رضا عطاران به عنوان بازیگر در نقش اصلی این فیلم قطعی شده است. رضا خشان تهیه کننده این فیلم سینمایی که فیلم «هزارپا» به عنوان پرفروش ترین فیلم تاریخ سینمای ایران در کارنامه خود دارد، گفت: نگارش فیلمنامه «کر» را کیانوش عیاری انجام داده است و مقدمات تولید آن به زودی آغاز خواهد شد. کیانوش عیاری کارگردان مطرح سینما و تلویزیون است که دو فیلم سینمایی «کناپه» و «خانه پدری» او مدتی است در توقیف به سر می برد که «خانه پدری» در شرف اکران است.

ورق اقبال کمدی ها برگشت



افت فروش محسوس فیلم های کمدی که یکی پس از دیگری به از دست رفتن ابعاد گیشه پسند تولیدات این ژانر منجر شده، ضمن قرار دادن ساخته های طنز در نوبت اکران، شرایط مطلوبی را برای فروش آثار اجتماعی نیز فراهم آورده است. در همین راستا و بر اساس آماری که جامعه صنفی تهیه کنندگان سینمای ایران ارائه داده، در چهار ماه نخست امسال با وجود افزایش نزدیک به ۴۰ میلیاردی فروش فیلم ها، عرصه برای کمدی ها در حال تنگ شده است. ژانری که طی چند سال اخیر شدت محبوب بوده است. «چهار انگشت»، «ساموایی در برلین»، «هزار پا»، «یکس لاج» و... در صدر همه آنها «ما همه با هم هستیم» با توجه به بودجه هایشان در قیاس با رقم فروش، از جمله کمدی های شکست خورده چهار ماه ابتدای امسال بوده اند. با پایان یافتن چهارمین ماه از سال ۹۸ جدول فروش سینماهای کشور نشان از موفقیت آثار اجتماعی و غیر کمدی نسبت به سال های گذشته را می دهند به نحوی که در میان پنج فیلم نخست دواثر غیر کمدی دیده می شود. در چهار ماهه نخست سال شاهد افزایش نزدیک به ۴۰ میلیاردی فروش فیلم هانست به مدت مشابه در سال گذشته در گیشه بودیم و با افزایش مخاطب ۸۹۰/۵۱۳ نفری نسبت به سال گذشته روبه رو شدیم. موفقیت آثار اجتماعی و غیر کمدی در حدی بوده که «متری شیش و نیم» ساخته سعید روستایی را باید پرفروش ترین فیلم امسال بدانیم. این فیلم توانسته به عنوان پرفروش ترین فیلم غیر کمدی تاریخ سینمای ایران نیز لقب گیرد. این فیلم تاکنون بیش از ۲۷۵ میلیارد تومان در تهران و شهرستانها فروخته است. پیش از این «فروشنده»، هفتمین فیلم اصغر فرهادی با مجموع فروش ۱۵ میلیارد و ۷۱۴ میلیون تومانی رکورد پرفروش ترین فیلم غیر کمدی تاریخ سینمای ایران را در اختیار داشت. ضمن اینکه باید در نظر داشت فیلم فرهادی دو میلیون و ۱۹۷ هزار تماشاگر را به خود جلب کرد و فیلم روستایی تاکنون و در آخرین روزهای اکرانش دو میلیون و ۲۸۲ هزار نفر را به سینماها کشانده است.

درخواست سرمایه گذار فیلم
سرکوب از اهالی سینما

محمدصادق رنجکشان، سرمایه گذار «سرکوب»، از اهالی سینما خواست با سرمایه قهر نکنند و در شرایطی که حتی بانک ها هم نمی توانند به سینماگران کمک کنند و وضعیت اقتصادی سینما سخت و مشکل است باعث رانده شدن سرمایه گذاران و سرمایه آنها از سینما نشوند. حبیب اسماعیلی از تماشاگران خواست از فیلم هایی با موضوعات اجتماعی مانند «سرکوب» حمایت کنند تا این فیلم ها هم بتوانند مانند آثار کمدی در گیشه موفقیت کسب کنند. او به شرایط نابرابر اکران فیلم های روی پرده اشاره کرد و گفت: «کل تیزرهای تلویزیونی که به سرکوب اختصاص داده شده همراه با تبلیغات دیگر و زیر نویس تنها به ۴۰ تیزر می رسد و امیدواریم شرایط طوری باشد که همه فیلم ها از امکانات تبلیغاتی یکسانی برخوردار باشند.

بچه های فیلم می توانستند
در حد آکسسوار و تیپ
بمانند، اما در نهایت یک
شخصیت عمیق قرار
دارند. این ها از معجزه
دیالکتیکی است که
میان فیلمنامه نویسان و
کارگردان اثر برقرار بوده
و قصر شیرین را به یک اثر
نمونه ای در سینمای یک
دهه اخیر ایران تبدیل
کرده است

به مثابه یک قاضی او را محکوم به یکجانشینی کرده، اگر قرار بر این باشد که تماشاچی دائما چشم به ساعت باشد و پایان فیلم را انتظار بکشد، فیلم شکست مطلق خورده! درباره قصر شیرین اما کاشت در سست عناصر دراماتیک در لحظه لحظه فیلمنامه ریتم مناسبی ایجاد کرده که تماشاچی را پایبند فیلمی می کند که نه اکشن خاصی دارد و نه با دیالوگ به مخاطبش باج می دهد. بماند که اساسا موضوع جهانشمول فیلم اجازه جولان ابتدالی را می گیرد. به هر حال ما با داستانی مواجهیم که چهار کاراکتر اصلی اش را در یک محیط بسته و کوچک گذاشته و عملا اجازه اکشن را از آن ها گرفته، پس جای زیادی برای سهل انگاری و اهمال نمی ماند. شخصیت پردازی و دیالوگ نویسی و مساله بازی گرفتن از بازیگران، سه رکن اساسی چنین کاری است. به جرات و بی تعارف، فیلم در همه این حوزه ها قدرتمند عمل می کند. خبری از کلیشه های دیالوگ نویسی نیست. تمام کلمات بار دراماتیک دارند، اما در عین حال لوس و از مفاذتاده نیستند. بچه های فیلم می توانستند در حد آکسسوار و تیپ بمانند، اما در نهایت یک شخصیت عمیق قرار دارند. این ها از معجزه دیالکتیکی است که میان فیلمنامه نویسان و کارگردان اثر برقرار بوده و قصر شیرین را به یک اثر نمونه ای در سینمای یک دهه اخیر ایران تبدیل کرده است.

است که فیلمساز از زبان مغشوش و مخدوش استفاده نکرده و با اجرایی کلاسیک در قاعده و ژانر رفتار کرده. آن ها که سینمای امروز ایران را دنبال می کنند، می دانند که این موهبت کمی نیست. به عبارتی در قصر شیرین میان سوژه و فرم، وحدت و همبستگی وجود دارد. تکلیف فیلمساز در ابتدا با خودش و در مرحله بعد با مخاطبش مشخص است. چند نمونه از نمادگرایی های فیلم را مرور کنیم؛ ماشینی که اگر خاموش شود، دیگر روشن نخواهد شد، نشانه زندگی ای است که هر آن امکان انهدامش هست. دو گانه سکوت و هیاهو، خشم درونی و ناآگاهی و بلاهت علی و سارا، دو گانه نمادگرایی ای از تناقضات زندگی ست که از دست رفته. حضور مشاهده گر ایانه و بعد افشاگر ایانه بچه ها به عنوان بازتاب دهنده پلیدی و نیرنگ بزرگترها یا همان معصومیت ابرازی شده. پایان به شدت نشانه دار فیلم؛ این بار جلال ایستاد و مسئولیت قبول کرد. بازی های مضمونی و نمادین با مفهوم گذشته و متعلقاتی که در کاراکتر جلال، نمود فراوان دارد. چند نمونه از جزئیات هنرمندانه و وفادارانه فیلم به ژانرش هست. سینما سرگرمی است، قصر شیرین سرگرم می کند؟ این پرسشی است که باید مقابل هر فیلم روز سینمای داخلی قرار داد. تماشاچی به سالن می آید و در تاریکی می نشیند. فیلمساز



برای خیل فالوورهایشان مسیر تعیین می کردند. در ظاهر کمی از اغتشاش فضای فکری گرفته می شود، اما اگر جایگزین هایی برای چنین وضعیتی تعریف نشود، آن خللا و آن نیاز به تبعیت از الگوها، به حیات خودش ادامه خواهد داد. به عبارت دیگر علت همچنان



می دهند؛ این یک تریلر جاده ای است. این سبک مختصات خاص خودش را دارد. مثلا زبان نمادین در این گونه پر رنگ است. یا این که اصلا خود جاده در چنین آثاری منشا تحول و دگر دبی کاراکتر محوری ماجراست. از لحاظ تکنیکی هم هم این فیلم را دید و احتمالا پسندید و یا حداقل آن را در رک کرد. فیلم داستانش را چگونه تعریف می کند؟ آن ها که کمی بیشتر اهل سینما هستند سریع و ساده پاسخ

در جزئیات هم و سواس دارد و سوژه طلاق را به پای مضامینی چون اعتیاد و خشونت و خیانت تلف نکرده. همین ریزه کاری و همین زاویه دید باعث می شود که فیلم فراتر از زمان و مکان ساخت و اکرانش قرار بگیرد. می شود چند سال بعد و در کشوری اروپایی هم این فیلم را دید و احتمالا پسندید و یا حداقل آن را در رک کرد.

در قصر شیرین، کاشت در سست عناصر دراماتیک ریتم مناسبی ایجاد کرده که تماشاچی را پایبند فیلمی می کند که نه اکشن خاصی دارد و نه با دیالوگ به مخاطبش باج می دهد. بماند که اساسا موضوع جهانشمول فیلم اجازه جولان ابتدالی را می گیرد

مخالف این دیدگاه هستی شاید تا حدی اقباع شوید. فیلم درباره چیست؟ مواجهه با این پرسش در مورد قصر شیرین، احتمالا به این پاسخ می رسد؛ فیلم درباره بچه های طلاق است. خب موضوع تازه ای نیست! فیلم های زیادی در ایران و جهان درباره طلاق ساخته شده. پس این موضوع به خودی خود یک مزیت نیست، اما وقتی قضاوت را نسبی می کنیم و در شرایط فعلی سینمای ایران در برهه آن حرف می زنیم باید اعتراف کنیم که توجه به چنین موضوعی یک مزیت است.

نگاهی به آثار های رسمی هم که کنیم، خیلی راحت متوجه خواهیم شد که میزان طلاق افزایش پیدا کرده و البته این گسترش قابل توجه جدایی ها فقط مربوط به کلیشه هایی چون مرد تندخو و معتاد و... این ها نیست. مساله عمیق تر و بسیط تر از این حرف هاست. قصر شیرین علاوه بر این که نگاهی واقع گر ایانه به جامعه اطرافش دارد و مساله طلاق را مورد توجه قرار داده. مضاف بر آن

ایمان عبدلی
قصری که شیرین برای جلال می خواست بر پایه صداقت و ایستادن بود. در قصر مطابق میل شیرین، فرار و ترک مسئولیت جایی نداشت، اما برای جلال لو دادن مخفیگاهش توسط شیرین عین خیانت بود. تلقی متفاوت جلال و شیرین از تصمیم گیری در یک بزنگاه، زندگی شان را به فروپاشی می رساند. حالا دو سال گذشته و آن زندگی سارا و علی را دارد. جلال حتی از پذیرش مسئولیت فرزندانش هم فرار می کند، اما جاده قرار است آدم بسازد، همان کاری که با پزشک نامید خیلی دور خیلی نزدیک کرد. قصر شیرین باز گشت رضا میر کریمی به سینمایی است که آن را بلد است و خوب اجرایش می کند. همان اول یادداشت تکلیف را روشن کنیم. این فیلم احتمالا جزو سه فیلم با کیفیت یک سال گذشته سینمای ایران است. برای اثبات این مدعا، اندازه بضاعت این متن سه دلیل عمده را فهرست می کنیم تا اگر

یادداشت
درباره سکوت نابهنگام سلبریتی ها در فضای مجازی

سلبریتی آپدیت نمی کند

آبان نامجو

چند روز پیش مهراب قاسم خانی پستی گذاشت که گره از برخی معادلات پنهان فضای مجازی باز کرد. مراد از گره، این کم کاری اخیر سلبریتی های فعال چند سال اخیر است! چه شده که از مقطعی به بعد آن ها حضور کم رنگی دارند. همان ها که برای هر مساله کوچک و بزرگ اظهار نظر می کردند و البته فراتر از آن راهکار هم ارائه می دادند. پست قاسم خانی را مرور کنیم، شاید نکته ها در آن نهفته باشد: مهراب نوشته که «به نظرم سکوت کردن توی فضای متشنج و پر خاشاک و پر از سوء تفاهم این روزهای مملکت کار عاقلانه تریه. فضایی که نتیجه برنامهریزی و تبلیغات منفی جریانه که داره آدرس غلط می ده و با پرچسب زدن، مردم رو در برابر هم قرار می ده و خودش پشت این اختلافات

مخفی میشه» پس عجلالتا این سکوت نمی تواند از سر رضایت باشد، یا اگر هم از سر رضایت است، یک انتخاب ایده آل برای امثال قاسم خانی و فرخ نژاد و پرستویی نیست. یک سطر دیگر از نوشته مهراب قاسم خانی کمی پوسته ما جارا می شکافد: «توی این مدت بشم، هم اگه به وقتایی نظری دادم، نقدی کردم یا غری زدم، نه با احساس قهرمان بازی بوده، نه تحت تاثیر جریانی بودم، نه دلم خواسته جریانی درست کنم. همون مطالباتی رو داشتم که خیلی از مردم دارن و همون حرف هایی رو زدم که خیلی از مردم میزنن... اونم خیلی محافظه کارانه تر، خیلی ترسو تر و خیلی اخته تر»

خیلی اخته تر، خیلی ترسو تر، این ها واژه های رضایت نیست. آدمی که راضی ست این گونه حرف نمی زند، پس چیزهایی دیگری هست که از ما به عنوان مخاطب

پنهان مانده. این مساله فقط محدود به مهراب قاسم خانی نیست و این احتمالا مربوط به تمام سلبریتی های کم کاری است که تر جیح می دهند توجیهاتی شخصی شده بسازند. مثل همین سطر از نوشته مهراب: «ولی دیگه نه دلم میخواد جایی دعوت بشم، نه از جایی بهم زنگ بززن، نه از جایی بهم پیغام برسونن.

دیگه نمیخوام خانوادهم رو نگران کنم و دل بابا و مامانم رو توی این سن بلرزونم... چنین لایف استایلی به حدی از فداکاری و جسارت و از خود گذشتگی لازم داره که انگار من ندارمش» خب با مرور سطر آخر تکلیف تا حدودی روشن شد. انگار یک مرجعیت قرار است کم تر ایفای نقش کند. منظورش از مرجعیت، موقعیت جریان ساز سلبریتی هایی است که در هر حوزه ای ورود کرده بودند و به واسطه شهرت و محبوبیت